

نقدی بر

«نقش روش شناختی قاعده الواحد»

مهدي عظيمي*

استاديار گروه فلسفه و حکمت اسلامي دانشگاه تهران

مذکور واحد حقيقي با واحد حق بهم درآمیخته‌اند؛
۴- در آن مقاله، اصل و عکس قاعده به هم درآمیخته و مدعی ناظر به اصل قاعده دامنگیر عکس آن گشته است؛
۵- نویسنده مقاله مذکور، «امتناع انتزاع مفهوم واحد از مصادیق کثیر» را یکی از نمونه‌های کاربرد ناروای قاعده «الواحد» بشمار آورده است درحالیکه فیلسوفان در این مسئله از قاعده «الواحد» بهره نبرده‌اند. بنظر میرسد خاستگاه این خطا، علیت‌انگاری رابطه مفهوم و مصداق است که حتی با فرض آن هم بهتر است گفته شود که این مسئله بر عکس قاعده استوار است، نه بر اصل آن؛ حال آنکه ادعای مقاله - بفرض درستی - دربرگیرنده اصل قاعده است، نه عکس آن. فراتر از این، مسئله یادشده حتی بر عکس قاعده هم استوار نیست.

کلیدواژگان

قاعده الواحد
واحد حقيقي
وحدت حیثیت
نقش روش شناختی

۱. درآمد

«نقش روش شناختی قاعده الواحد» عنوان مقاله‌ی

*.Email:mahdiazimi@ut.ac.ir

تاریخ تأیید: ۹۲/۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۲۲

خردنامه صدرا در شماره ۳۳ (پاییز ۱۳۸۲؛ ص ۳۰-۲۳) مقاله‌ی منتشر کرده است بخامه قلم دکتر احد فرامرز قراملکی با عنوان «نقش روش شناختی قاعده الواحد». مقاله حاضر نقدی است بر دیدگاه‌های علمی آن مقاله. در انتها، پاسخ دکتر قراملکی به انتقادهای مطرح شده نیز منتشر میگردد تا راهگشای خوانندگان محترم باشد.
خردنامه صدرا

چکیده

«نقش روش شناختی قاعده الواحد» عنوان مقاله‌ی است که نویسنده آن معتقد است «تبیئگری قاعده الواحد محدود به پاره‌ی از مسائل الهیات بالمعنی الاخص است» و در نتیجه، استناد به آن «در اثبات مسائل منطقی، طبیعی و پاره‌ی از مسائل الهیات بالمعنی الاعم» ناروا است. من در این نوشتار و در پاسخ به مقاله مذکور نشان خواهم داد که: ۱- این نگره را پیشتر ملاصدراى شیرازی درافکنده و حکیم سبزواری آن را برسنجیده و وازده است. آن مقاله اگرچه به دیدگاه ملاصدرا و سنجش و واژنش سبزواری اشاره کرده، هیچ پاسخی بدان نداده است؛ ۲- خاستگاه این نگره غفلت از قید وحدت حیثیت است؛ ۳- در سراسر مقاله